

معرفی آثار بخش بین الملل چهل و سومین جشنواره تئاتر فجر

در بخش بین‌الملل این دوره از جشنواره ۹ اثر از کشورهای ارمنستان، قرقیزستان، تونس، عراق، پرتغال، ترکیه، روسیه و ازبکستان شامل هفت اثر صحنه‌ای و دو نمایش خیابانی روی صحنه خواهد رفت. بر این اساس آثار بخش بین‌الملل به این شرح است: «یک گوزن مادر» به نویسندگی ادیل بولوریک اوغلو و باختیگول آسانووا به کارگردانی شارشن شیشنوف از قرقیزستان

می‌کند- بعد از ازدواج عاشقانه‌اش با دخترم سوجان، حالا به مقام و منسبی رسیده و به سوجان خیانت کرده‌است - به منزل من آمده و قصد دارد جایگاهش را بر رخ من بکشد. نویسنده این سکانس را در سه صفحه نوشته بود و من تمام شب نشستم، سه صفحه را خواندم و فکر کردم، بعد پیشنهادتم را نوشتم. روز بعد وقتی برای فیلمبرداری رفتم، خانم ثریا قاسمی و آقای علی مرادی آمده بودند. من با آقای تبریزی صحبت کردم و گفتم این قدر این فضا را سنگین می‌بینم که فکر می‌کنم در تمام طول این سکانس من یک کلمه هم نباید حرف بزنم و استدلال این است که تمام دیالوگ‌هایم را باید حذف کنید، این شد که من در آن سکانس سکوت کردم و به یک نقطه خیره شدم و در پایان سکانس رو می‌کنم به مادر جان و می‌گویم «مادر جان اگر اجازه بدید من برم به مرغ و خروسا دون بدم» این دیالوگ در کنار کسی که حالا به جایگاهی رسیده و آمده قدرتش را به رخ بکشد، نشان می‌دهد که مرغ و خروس‌ها از او ارزشمندتر هستند. بعد از مطرح‌کردن پیشنهادم به آقای تبریزی گفتم حالا سه صفحه دیالوگ را هم از بر می‌خوانم تا مطلع باشید که سه صفحه را حفظم اما احساسم بر این است که نباید حرف بزنم، پدر در آن لحظه برای حفظ حرمت دخترش، دلیلی برای همکلامی با این آدم نمی‌بیند، چنین تعاملاتی در جهت تولید وجود داشت.

📌 **بنابر این تعامل و همدلی میان تیم باعث شد آنچه که در نهایت به سماع و نظر مخاطب برسد، احترام به شعور و جایگاه مخاطب باشد.**

بله همین‌طور است. از جمله موارد دیگری که با کارگردان محترم سوجان تعامل داشتیم درخصوص پیاده‌سازی لهجه گیلانی بود. باید تدبیری می‌اندیشیدیم که نخواهیم صد درصد لهجه گیلانی را رعایت کنیم، اما لحنی از آن لهجه و زبان باشد. به هر حال اگر کسی قرار باشد نسبت به لهجه بازیگران ایراد بگیرد، می‌تواند؛ چرا که ما گیلانی نیستیم، ما هر چقدر هم که تلاش می‌کردیم در نهایت جایی حتما اشکالی رخ می‌داد اما از اولین روزهای پروژه تصمیم گرفتیم همه یک‌دست صحبت کنیم. البته بازیگرانی که از خطه گیلان بودند گیلانی‌تر ظاهر شده‌اند و لحن نزدیک‌تری به اصل گیلانی دارند. این تعامل و همدلی میان تیم باعث شد که کار با احترام به شعور و جایگاه مخاطب تهیه و تولید شد. تاکید می‌کنم با وجود شرایط تولیدی سخت و چالش‌برانگیز، تمام تلاش ما بر این بود که کاری با کیفیت و ارزشمند ارائه دهیم.

📌 **تولید آثار بزرگ چالش‌های خود را می‌طلبد. در این پروژه چه چالش اساسی‌ای با «زمان» داشتید؟**

در مسیر تولید، شرایط آب و هوا یکی از مسائلی بود که باید تحمل می‌کردیم. چرا که مثلا صحنه‌های زمستان را در مردادماه فیلمبرداری می‌کردیم. پیش آمد که تیم

(صحنه‌ای)، «آرداقیون» به نویسندگی و کارگردانی زیرابیر داداسیان از ارمنستان (صحنه‌ای)، «چیزهایی که حمل می‌کنیم» به کارگردانی فرانسیسکو کماچو از پرتغال و ترکیه (صحنه‌ای)، «دژاوو» به نویسندگی و کارگردانی دکتر محمد عبدالحمید عبدحسین از عراق (صحنه‌ای)، «تولد لاژی» به نویسندگی شاهباژ فایز...یف و به کارگردانی آسکر خلمومینوف از ازبکستان (صحنه‌ای)، «یک ساعت

📌 **چه چیزی شما و دیگر اعضای پروژه سوجان را به ادامه کار دلگرم می‌کرد؟**

اولین تصمیم‌گیری در این پروژه به‌واسطه لیدر بسیار خوب و شریف، آقای تبریزی، انجام شد. ایشان بسیار تلاش‌کرده‌که این پروژه به‌سرانجام برسد. عشق و همدلی تمام همکاران باعث شد که با وجود تمام نارایی‌های مشکلات، کار به خوبی پیش برود. زمانی که بعدازدوری یک ماهه تا ۴۰ روزه، به خانه برمی‌گشتیم، این عشق و احترام همکاران به یکدیگر بود که انگیزه و حس برگشت به کار را در ما ایجاد می‌کرد. هیچ‌کس با دیگری رقابت نداشت. همه سعی می‌کردند کاری کنند که دیگری خوب باشد و بهتر به چشم بیاید، تا خود او هم کارش بهتر به چشم بیاید. این عشق باعث شد کارها بهتر انجام شود و هر کس تلاش کند تا عملکرد بهتری داشته باشد. البته در سه سال تولید و ضبط سریال، سختی‌های زیادی متحمل شدیم. بخشی از این سختی مربوط می‌شده به طولانی شدن زمان ضبط سریال. ما فرصت‌های زیادی را از دست دادیم و این امر خسارت‌های اقتصادی‌ای برای ما ایجاد کرد. صادقانه می‌گویم این پروژه با سختی جان به سرانجام رسید. گاهی شدت کار و فشار باعث می‌شد که برخی از عوامل بی‌هوش شوند و برای ادامه کار به دارو نیازمند می‌شدند. بیم این بود که احتمالا کارگردان را در این پروژه از دست بدهیم.

📌 **نقش سوجان به‌گونه‌ای است که باید حرمت پدرش را حفظ کند و خود اسفندیار نیز همین کار را نسبت به گذشته انجام می‌دهد اما این حرمت با خواسته‌ها و سرنوشت دخترش در تضاد است. چگونه این تضاد را در نقش اسفندیار حل کردید.**

تضاد بین عاقبتی که سوجان در تصمیم پدرش برای اوتفاق می‌افتد و حرمتی که بین پدر و دختر وجود دارد بخش آموزنده این سریال است. عشق پدر و مادر به فرزند و اشتباهات موجود در جوامع سنتی

را نمی‌توان نادیده گرفت. ما در کنار پیشرفت‌های مدرن، باید به ارزش‌های سنتی و هویت خود نیز توجه کنیم. در سریال



خاطره» به نویسندگی کارینه خودیکیان و به کارگردانی واهه شاهوردیان از ارمنستان (صحنه‌ای)، «اتنو» به کارگردانی شیشکینا آنا یوریونا از روسیه (خیابانی)، «گودزیلا: پدیده» به نویسندگی و کارگردانی اوس ابراهیم از تونس (صحنه‌ای) و «البسته» به کارگردانی شیشکینا آنا یوریونا از روسیه (خیابانی). مدیریت این بخش از جشنواره را مرگان وکیلی به عهده دارد.

سوجان نماد فجر

در گفت‌وگو با «حمیدرضا نعیمی» چالش‌ها



حمیدرضا نعیمی، بازیگر بنام سینما، تلویزیون و تئاتر، در نمایشنامه‌نویسی و کارگردانی تئاتر، میان اهل هنر شهره است. وی با توانایی‌های بی‌نظیرش در عرصه هنرهای نمایشی، همواره در آثار تلویزیونی و تئاتر توانسته شخصیت‌های ماندگاری مثل: اسفندیار در مجموعه «بانوی سردار»، و رضاخان در سریال «سنجرخان» را به تصویر بکشد. در سریال «سوجان»، نعیمی نقش اسفندیار، پدر سوجان را ایفا می‌کند؛ شخصیتی که در بطن خانواده‌ای فرهنگی و سنتی قرار دارد و نمایانگر ارزش‌ها و چالش‌های نسلی است که در گذر فرهنگی تاریخی قرار گرفته‌اند. جام‌چم در این ایام که آخرین قسمت‌های سریال سوجان از قاب شبکه یک سیما در حال پخش است، با حمیدرضا نعیمی گفت‌وگویی داشته تا ضمن بررسی نقش «اسفندیار» به ابعاد مختلف فعالیت‌های این هنرمند بپردازد.



زهرایعابسی گروه‌سپانه

روستاها می‌بینیم. لازم است به نقش بازیگر سوجان در بهتر نشان دادن این محتوا و مضمون اشاره داشته باشم. واقعیت این که خانم غزاله اکرمی، بازیگر نقش سوجان، جوان و با استعداد است و مطمئنا در آینده بیشتر از او خواهیم شنید. زیرا هم جوان هستند و هم به فراز و نشیب‌های مسیر بازیگری اشراف دارند و البته اعتقاد دارم کسانی که زحمت می‌کشند شانس هم به سراغ‌شان می‌آید.

📌 **آقای حمیدرضا نعیمی با هیכלی تنومند و قدی بلند، نقش اسفندیار را بازی می‌کند. او باید این شخصیت را به گونه‌ای ایفا می‌کرد که برخلاف هیکل تنومندی که دارد با خانواده و جامعه، متین و آرام**

پیش



📌 **با دیدن سوجان به علت اشتراکات زیادی که این سریال با مجموعه تلویزیونی پس از باران دارد بخش اعظمی از مخاطبان دست به قیاس این دو اثر زدند. تفاوت شخصیت زن در پس از باران و سوجان چقدر مربوط به تغییر و تحولات فرهنگی این روزها بوده؟ از آنجاکه فیلمنامه سوجان مربوط به سال‌های گذشته‌است به نظر ربطی به تغییرات فرهنگی این چند سال ندارد. یکی از کارهای استعمار انگلیس که به شدت از آن بیزارم و برای تضعیف قومیت‌های ایرانی و ضربه زدن به فرهنگ ما انجام می‌داد، به سخره گرفتن هر چیزی بود که شکوه اقوام ما را به نمایش می‌گذاشت. مثلا اگر زنان شمال نماد شکوه و سختکوشی و بروج ایران‌اند از جهت تخریب آنها برمی‌آمدند. اگر در خطه غرب مردان نماد قدرت و مبین دوستی هستند در این زمینه لطفه می‌زدند. این ترغند را برای همه اقوام ما به کار گرفتند. زنان ایرانی ازجمله زنان گیلانی با وجود تمام سختی‌ها، همواره نقش مهمی در خانواده و جامعه ایفا کرده‌اند. آنها با زحمت و تلاش، خانواده‌های‌شان را مدیریت می‌کنند و در عین حال به تربیت فرزندان خود نیز می‌پردازند. این زنان، با**

سوجان بخشی از فرهنگ غنی مردم گیلان به تصویر کشیده شده است، مانند عید نوروز که همه جمع می‌شوند و به خانه بزرگان می‌روند و تبریک می‌گویند. این فرهنگ درخشان باعث می‌شود در روزهای خاص، اختلافات کنار گذاشته شده و آشتی برقرار شود. اما در زندگی شهری و پرسرعت امروز، فرصت‌های ارتباط با یکدیگر کاهش یافته است. در این سریال، به برخی سنت‌های نادرست اشاره شده که دیگر دوره‌اش گذشته و لازم است از آنها عبور کنیم. برای مثال، ازدواج‌های فامیلی که در گذشته برای حفظ استحکام خانواده انجام می‌شد، امروز ممکن است آسیب‌زا باشد. به نظر من، بزرگ‌ترها همیشه محترم‌اند، اما انتظار نداریم آنها هیچ خطایی نکنند. در بسیاری از مواقع خطاهای بزرگ‌تری از آنها سر می‌زند و ما نباید هر چیزی را از آنها بپذیریم. در مورد شخصیت‌های سوجان و اسفندیار، واقعا احساس می‌کردم این دو دختر مانند فرزندانم هستند و رابطه‌ای پر از احترام در صحنه وجود داشت. پدر در این داستان اهل مدرسه و مکتب قدیم است و به تحصیل فرزندانش اهمیت می‌دهد. اما یکی از اشتباهاتش این است که بر اساس سنت‌ها، دخترش باید با پسرعموش ازدواج کند.

📌 **پس برآوردتان این بود که نتیجه کار خوب می‌شود...**

حقیقت این که در حین فیلمبرداری، نمی‌شود کار را سنجید. هر چند در برخی سکانس‌ها، شخصیت اسفندیار به شدت دوست‌داشتنی بود. اما تا زمانی که کار به پایان نرسیده و تدوین نشده، نمی‌توان درباره فیلم نظر داد. یک تدوین بد، ریتم بد و حتی دکوپاژ بد می‌تواند فیلم را به هم بریزد. در کلیت، الان که از قاب تلویزیون سوجان را می‌بینم، خانواده اسفندیار به خوبی در فیلم تعریف شده و تماشاگران با آنها به خوبی ارتباط برقرار می‌کنند؛ چرا که مخاطب را یاد گذشته‌ای می‌اندازد که یا از بین رفته، یا الان هنوز هم این خانواده‌ها را در

موسیقی

تمدید کنسرت ارکسترال «آتش زنده» کامکارها

باتوجه به استقبال تماشاگران ودوستانران موسیقی فاخر ایرانی، کنسرت «آتش زنده»، جدیدترین اجرای ارکسترال «گروه کامکارها» با رهبری ارسلان کامکار که شنبه ۲۲ یکشنبه ۲۲ دی ۱۴۳۲ در سالن همایش‌های هتل اسپیناس پالاس تهران بعد از شش سال دوری از صحنه اجرا شده بود، برای امروز ۲۹ دی در دو سانس ۱۸:۳۰ و ۲۱:۳۰ تمدید شد. در این کنسرت، موسیقی ایرانی با سازهای کلاسیک غربی مانند ویولن، ویولا، ویلنسل و سازهای بادی ترکیب می‌شود تا یک تجربه موسیقایی نوآورانه را خلق کند. در کنسرت آتش زنده، قطعاتی از موسیقی کردی، موسیقی کلاسیک ایرانی و همچنین قطعاتی باالهام از موسیقی جهانی اجرامی‌شود که برای مخاطبان با سلیقه‌های مختلف جذاب خواهد بود. ضمن این‌که همکاری گروه کامکارها با ارکستر زهی و بادی، به قطعات موسیقی عمق و گستردگی بیشتری می‌بخشد و تجربه‌ای غنی‌تر برای مخاطبان فراهم می‌کند. این کنسرت را مؤسسه فرهنگی هنری «شهنای» و فیدیبو برگزار خواهد کرد.



بهبود شرایط جسمانی فرهادفخرالدینی

فرهاد فخرالدینی (آهنگساز و موسیقیدان پیشکسوت) اخیرا به دلیل شرایط نامساعد جسمی در بیمارستان بستری شده اما حال او رو به بهبود است. حبیب مبور که از دوستان و نزدیکان فرهاد فخرالدینی است، در گفت‌وگویی با ایسنا اعلام کرد که فخرالدینی درپی پشت‌سر گذاشتن شرایط نامساعد جسمانی، اکنون حال بهتری دارد. او درباره این امر توضیح داد: آقای فخرالدینی اخیرا درپی یک بیماری سطحی در بیمارستان بستری شدند ولی با پشت‌سر گذاشتن آن، اکنون خوب و سلامت هستند و احتمالا شنبه از بیمارستان مرخص می‌شوند. فرهاد فخرالدینی موسیقیدان، آهنگساز و رهبر ارکستر است. او آثار مشهوری را برای موسیقی متن فیلم‌های سینمایی و مجموعه‌های تلویزیونی ساخته است که سرپردازان، امام علی (ع) و بوعلی سینا از جمله آنها هستند. او ارکستر ملی ایران را در سال ۱۳۷۷ بنیان گذاری و آن را به مدت ۱۱ سال رهبری کرد.



قاب